



## Examining the Position and Performance of Women Poets in the Prophetic and Alavi Government and Comparing It with the Government of the Three Caliphs

Mohammad Javad Najafi<sup>1</sup> | Mohammad Hossein Rajabi Davani<sup>2</sup> | Mohammad Sepehri<sup>3</sup>

1. PhD, History Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: [mohammadgavad71@gmail.com](mailto:mohammadgavad71@gmail.com)

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Islamic Revolution Studies, Faculty of Culture and Social Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran. E-mail: [mrjajabi@ihu.ac.ir](mailto:mrjajabi@ihu.ac.ir)

3. Full Professor, Department of History, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [mo.sepehri@iau.ac.ir](mailto:mo.sepehri@iau.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 2 August 2023

Received in revised form: 23

June 2023

Accepted: 29 July 2024

Published online: 30

December 2024

#### Keywords:

*The Position of Women Poets, The Performance of Women Poets, The Prophetic Government, The Government of the Three Caliphs, The Alavi Government.*

### ABSTRACT

The primary focus of this article is the examination of historical examples of the position and performance of women poets in early Islamic countries, as well as their comparison. This topic is both novel and novel in terms of research. The objective of this study is to ascertain the significance of the Messenger of God (pbuh) in relation to the status of women poets, as well as to evaluate their involvement in the political and social spheres in his time. Additionally, the study will compare the performance of the governments of the so-called rightly caliphs with that of the Holy Prophet (pbuh). This is the case. In this regard, the research query is formulated as follows: What was the degree to which the administrations of the three caliphs and Hazrat Ali (AS) considered the status of women poets in relation to the Prophet's administrative performance? The research method employed in this research is descriptive-analytical, and it involves the collection of library and documentary data. This research has revealed that the majority of the narratives regarding the position and influence of women poets in the Islamic government at the inception of Islam were associated with the era of Prophetic and Alavi rule. These narratives are a result of two distinct management styles and two schools of thought. The initial attempt is to improve the position of Muslim women poets by adjusting it according to religious criteria, while the second attempt is to modify it according to personal theories and individual preferences.

**Cite this article:** Najafi, M., Rajabi Davani, M. H., & Sepehri, M. (2024). Examining the position and performance of women poets in the Prophetic and Alavi government and comparing it with the government of the three caliphs. *Women in culture and art*, 16(4).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.367515.1983>



© The Author(s).

**Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.367515.1983>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در فرهنگ و هنر

## بررسی جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت نبوی و علوی و مقایسه آن با دولت خلفای سه‌گانه

محمدجواد نجفی<sup>۱</sup> | محمدحسین رجیبی دوانی<sup>۲</sup> | محمد سپهری<sup>۳</sup>۱. دکتری تاریخ اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [mohammadgavad71@gmail.com](mailto:mohammadgavad71@gmail.com)۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده فرهنگی و علوم اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران. رایانامه: [mrjaji@ihu.ac.ir](mailto:mrjaji@ihu.ac.ir)۳. استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [mo.sephri@iau.ac.ir](mailto:mo.sephri@iau.ac.ir)

## چکیده

## اطلاعات مقاله

## نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

شناخت و بررسی مصادیق تاریخی درباره جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دول صدر اسلام و مقایسه آن‌ها، از نظر پژوهشی تازگی دارد و بنابراین در اینجا مسئله اصلی مقاله حاضر است. هدف پژوهش مشخص کردن اهتمام رسول خدا (ص) به جایگاه زنان شاعر و قائل شدن به نقش‌آفرینی آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی توسط آن حضرت و مقایسه تطبیقی عملکرد دولت‌های موسوم به خلفای راشدین با سیره رسول اکرم (ص) در این مورد است. در این راستا سؤال پژوهش به این صورت طرح شده که دولت‌های خلفای سه‌گانه و حضرت علی (ع) تا چه اندازه به جایگاه زنان شاعر، مطابق عملکرد دولت نبوی (ص) اهتمام ورزیدند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌ها بیانگر آن است که بیشترین روایت‌ها از جایگاه و عملکرد زنان شاعر حکومت اسلامی در صدر اسلام مربوط به دوران حکمرانی نبوی و علوی بوده است که این برگرفته از دو مکتب فکری و دو سبک مدیریتی مختلف در این خصوص است. اولی تلاش می‌کند جایگاه زنان شاعر مسلمان را براساس معیارهای دینی تنظیم کند و در نتیجه ارتقا بخشد و دومی براساس نظریه‌های شخصی و سلیق فردی برگرفته از فضای محلی قبل از اسلام و منافع در پیش، در مورد این جایگاه آن‌طور که خود می‌پسندد عمل می‌کند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

## کلیدواژه‌ها:

جایگاه زنان شاعر، دولت خلفای سه‌گانه، دولت علوی (ع)، دولت نبوی (ص)، عملکرد زنان شاعر.

**استناد:** نجفی، محمدجواد، رجیبی دوانی، محمدحسین و سپهری، محمد (۱۴۰۳). بررسی جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت نبوی و علوی و مقایسه آن با دولت خلفای سه‌گانه. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۶(۴).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.367515.1983>

© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.367515.1983>

## ۱. مقدمه

عرب شعر را به جای حکمت و دانش بسیار ارج می‌نهاد و هرگاه در میان قبیله‌ای شاعری توانا و سخن‌شناس زندگی می‌کرد، او را در بازارهای خود که در مدتی از سال و موسم حج برپا می‌شد فرامی‌خواند تا قبایل دیگر فراهم شوند و اشعار او را بشنوند و آن را افتخاری از مفاخر و مزید بزرگواری خود می‌شمردند (Montazer al-Qaim, 2016: 47). به نحوی که هر ساله اعراب در بازار عکاظ که از موارد مهم فعالیت‌های اقتصادی آنان به حساب می‌آمد، شعر می‌گفتند و بهترین اشعار را به خانه خدا آویزان می‌کردند، اما اغلب اشعار جاهلی یا مدح و هجوهای دروغین و مبالغه‌آمیز بود یا ذکر یار و دیار و وصف خوش‌گذرانی و شراب‌خواری (Ibn Khaldoun, No (date, Vol. 2: 1241; Yaqoubi, 1992, Vol. 1: 262).

وجود صد و اندی شاعر و ادیب زن در عصر جاهلی، نشانگر توانایی زنان آن دوره در عصر شعر و شاعری است. مضامین و موضوعات شعری که زنان شاعر در عصر جاهلی به آن پرداخته‌اند همان موضوعات و مضامین شعری در نزد مردان شاعر است (Nowrozi Kuriyeh, 2010: 155).

این فرهنگ پس از ظهور اسلام نیز همچنان بر جای ماند؛ با این تفاوت که تحولی در محتوای خطابه‌ها و اشعار به وجود آمد و ارزش‌های اسلامی جایگزین ارزش‌های جاهلی شد (Nouri Hamedani, 2003: 178). شعر به دلیل محبوبیتی که در بین اعراب داشت پذیرای هر زبان توانا و فصیحی بود. در این میان نقش زنان قابل توجه بود و شاعران نام‌آشنای زیادی در میان اعراب از زنان بودند. تعدادی از این شعرا قسمتی از زندگی خود را در عصر جاهلیت گذراندند، سپس اسلام آوردند و بقیه حیات خود را در دوران اسلامی طی کردند که به اصطلاح به آنان شعرای مخضرم می‌گویند، نظیر خنساء دختر عمرو بن شرید سلیمی (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 88). اروری بنت عبدالمطلب (Kahaleh, 1982, Vol. 1: 34).

بررسی جایگاه و عملکرد این زنان در دولت نبوی از آن حیث مهم است که می‌تواند همواره مبنا و محل رجوع حکومت‌های اسلامی باشد و بررسی مقایسه‌ای نیز گویای میزان تبعیت و تقلید از سیره حکمرانی نبوی (ص) است؛ بنابراین در این پژوهش در کنار بررسی جایگاه زنان شاعر در صدر اسلام، مسئله اصلی این پژوهش، مقایسه تطبیقی جایگاه زنان شاعر در دولت‌های نبوی و علوی و خلفای سه‌گانه و بررسی تحول و تطور این جایگاه در دولت‌های مذکور و چگونگی عملکرد برآمده از این دگرگونی‌ها توسط زنان و ایفای نقش آنان در جامعه است.

## ۲. پیشینه تحقیق

در حوزه زنان مسلمان، پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای متنوع صورت پذیرفته که مناسبات و عملکردهای طبقات مختلف آنان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این میان

پژوهش‌هایی درخصوص جایگاه و عملکرد آنان در حول مسائل شعر و شاعری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین صحنه‌های حضور و فعالیت زنان مسلمان صورت پذیرفته است که اغلب با رویکرد ادبی به بررسی موضوع می‌پردازند، نظیر پژوهش زنان شاعر در عصر جاهلی (Nowrozi Kuriyeh: 2010)، یا پژوهش دیگری با عنوان شعر زنان و ویژگی‌های آن در صدر اسلام (Ismailghanmi & Saadounzadeh & Sephiyar: 2011) که اولی ارزیابی‌کننده عملکرد ادبی شاعران زن جاهلی و بخشی از زنان شاعره مخضرم و دیگری ارزیابی‌کننده عملکرد ادبی شاعران زن در صدر اسلام است. اما درخصوص پژوهش‌های تاریخی حول موضوع مذکور، علاوه بر اینکه در دوران معاصر از نظر کمی با کمبود آثار مواجه هستیم، از نظر محتوایی نیز از تنوع کارکردهای پژوهشی نظیر بررسی تحلیلی و نگاه مقایسه‌ای به اثر قابل‌ذکری برخوردار نمی‌کنیم. چنان‌که رضا افخمی و محسن زمانی در کتاب *سیمای پیامبر (ص)* در شعر زنان صدر اسلام نیز با تلفیقی از رویکرد ادبی و تاریخی به ارائه موضوع پرداختند و از منظر مقایسه‌ای نیز داده‌ها را تحلیل نکردند (Afkhani & Zamani, 2022)؛ به این ترتیب نوآوری و بدیع بودن موضوع مشهود است.

### ۳. تعریف مفاهیم: دولت‌های نبوی، علوی و خلفای سه‌گانه

طول بازه زمانی دولت نبوی از سال اول هجری تا زمان رحلت رسول‌الله (ص) در سال یازدهم هجری است (Ibn Hisham, 1996, Vol. 2: 643 & Ibn Saad, 1989, Vol. 2: 252). با رحلت پیامبر اسلام (ص) و شکل‌گیری سقیفه بنی‌ساعده، ابوبکر به‌عنوان خلیفه تعیین و به مدت دو سال و چهار ماه عهده‌دار دولت اسلامی شد (Tabari, 1968, Vol. 2: 614). پس از وی، عمر با وصیت ابوبکر به خلافت رسید (Ibn Saad, 1989, Vol. 3: 343). مدت دولت او، ده سال و شش ماه بود (Tabari, 1968, Vol. 3: 292). با کشته‌شدن عمر و تشکیل شورای شش‌نفره خلافت، عثمان در ذی‌الحجه سال ۲۳ هجری، خلیفه شد و تا ذی‌الحجه سال ۳۵ هجری که توسط شورشیان کشته شد، عهده‌دار دولت اسلامی بود (Ibid: 411). در این تحقیق بازه زمانی حکمرانی بیست‌وپنج‌ساله خلفا یعنی از خلیفه اول (ابوبکر) تا خلیفه سوم (عثمان)، دولت خلفای سه‌گانه معرفی می‌شود. با کشته‌شدن عثمان طیف گسترده‌ای از مردم جامعه با حضرت علی (ع) بیعت کردند (Tabari, 1968, Vol. 3: 450). آن حضرت به مدت چهار سال و نه ماه (تا شهادت به‌دست ابن‌ملجم) رئیس حکومت اسلامی بود (Abulfaraj Esfahani, 1965: 47) و چون سیاست‌های دوران حکمرانی آن حضرت روشی کاملاً متفاوت با خلفای پیشین داشت و پیروی از سیره آنان را دربرداشت، این بازه زمانی به‌عنوان دوران دولت علوی یاد می‌شود.

#### ۴. چارچوب مفهومی: مقایسه جایگاه و عملکرد زنان شاعر

از واژه جایگاه در اصطلاح عام، معانی مختلفی مانند مکان استقرار، مکان، مسکن، خانه، مقام، منزل، هر محلی که در آنجا چیزی ثابت شود و محلی که شامل چیزی باشد، برداشت می‌شود، اما در ادبیات علوم نظری این واژه با کلیدواژه‌های سیاسی و اجتماعی همراه می‌شود. در واقع جایگاه سیاسی-اجتماعی نشان‌دهنده موقعیت فرد در ساختار اجتماعی است. عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همواره تعیین‌کننده وضعیت فرد، گروه یا طبقات در جامعه به‌شمار می‌روند و کارکرد این عوامل در کنترل فرد یا گروهی نیست (Reisman & Angita, 2013: 17). جایگاه اجتماعی یکی از مؤلفه‌هایی است که همه انسان‌ها به‌گونه‌ای در طلب آن هستند. نظم اجتماعی براساس جایگاه اجتماعی انتسابی یا اکتسابی افراد مشخص می‌شود و بسیاری از تعارض‌های ارتباطی نتیجه نقض و بی‌توجهی به جایگاه اجتماعی پنداشته می‌شود. در پاسخ به اینکه جایگاه اجتماعی چیست، می‌توان آن را هم نوعی نیاز روانی دانست و هم در هر کنش اجتماعی، در سطوح ابتدایی تا کلان، ابراز آن را مشاهده کرد. برای نمونه در سطوح ابتدایی، جایگاه اجتماعی با مسئله به‌حساب آمدن، محبوبیت و دوست‌داشته‌شدن مرتبط است و در سطوح کلان با ارزش‌های فرهنگی است. همچنین تداوم وضعیت و جایگاه اجتماعی نیز متأثر از این عوامل است؛ اگرچه حاکمیت بیشترین تأثیر را بر این عوامل دارد (Nemati & Shahidani, 2021: 305). در حقیقت جایگاه و امکان عمل در پدیدآمدن عملکرد در مؤلفه‌های اجتماعی تأثیر شگرفی دارد و میزان حمایت حکومت‌ها و ارزش‌گذاری دولت‌ها در تبیین این موضوع مهم است.

#### ۵. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. از این‌رو پژوهشگر، ابتدا جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت‌های نبوی، خلفای سه‌گانه و سپس دولت علوی را براساس مستندات تاریخی تبیین و بررسی کرده و پس از آن به تحلیل و مقایسه این جایگاه در نزد دولت‌های مذکور بپردازد.

#### ۶. یافته‌های پژوهش

##### ۶-۱. جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت نبوی

بانوان در این زمینه در زمان رسول خدا (ص) با تأیید ایشان عرصه را خالی نکردند. چنان‌که زنانی همچون خنساء همچنان به سرودن شعر ادامه می‌دادند (Zarkali, 2017, Vol. 2: 86).

خنساء (تماضر بنت عمرو بن حارث) که پیش از اسلام از نام‌آورترین شاعران عرب و شاعران زن بود، در اوایل دولت نبوی همراه با بزرگان قبیله‌اش (بنی سلیم تیره‌ای از مضر) نزد رسول خدا (ص) رفت و اسلام آورد. او اشعار خود را برای پیامبر (ص) خواند و در اشعار جدیدش تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی شعر سرود. پیامبر (ص) نیز با تکریم از اسلام آوردن وی، اشعارش را پسندیدند. رفتار مهربانانه پیامبر با او موجب شد خنساء در نبردها علیه مشرکان و کافران شرکت کند و بعدها چهار فرزند خود را نیز در جنگ قادسیه برای اسلام فدا کند (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 88; Abulfaraj Esfahani, 1986, Vol. 15: 77).

پیامبر اسلام (ص) در دولت خود علاوه بر آنکه شاعران زن مسلمان را می‌ستود و حمایت می‌کرد، اگر اشعاری نیز جایگاه و شأن زن مسلمان را به خطر می‌انداخت، با سرایندگی آن برخورد می‌کرد و نسبت به تضعیف یا تحریف جایگاه اجتماعی زنان ولو با زبان شعر، بی‌اعتنا نبود؛ چنان‌که یکی از شاعران جاهلی و بزرگ نجد در زمان پیامبر (ص) درباره زنان مسلمان، غزل‌های عاشقانه می‌سرود و به هجو آنان می‌پرداخت. از این‌رو پیامبر (ص) خون او را هدر اعلام کرد. بعد از این وی برای امان خواستن به حضور پیامبر (ص) شتافت و با شفاعت ابوبکر نزد پیامبر (ص) مسلمان شد و بعدها اشعاری برای اسلام سرود (Zarkali, 2017, Vol. 6: 81):

زنی به نام زینب در میان قبیله بنی‌ازد آن‌چنان در حرفه چشم‌پزشکی و درمان دردهای چشم حاذق بود که از نقاط دوردست برای درمان به نزد بنی‌ازد می‌آمدند و گاه شاعران معروف آن روز به درخواست معالجه شوندگانش، به پاس قدردانی برای وی شعر می‌سرودند و پیامبر (ص) نیز اجازه می‌دادند (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 477; Ondolusi, 1991, Vol. 4: 1828). در جریان فتح مکه که پیامبر (ص) دستور عفو عمومی صادر کرد، درباره سه زن به نام‌های ساره کنیز عمر بن هشام و دو کنیز ابواختل خواننده مشرک، فرمان قتل آن‌ها را صادر کردند. چون این زنان هجویه‌ها و مضامین اشعار تحریض به جنگ علیه اسلام و مسلمانان سروده و مسبب تحریک دیگر مشرکان و در نتیجه ریختن خون‌های بیشتر شده بودند (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 27).

در عین حال زنان شاعر صدر اسلام همواره از حمایت دولت نبوی (ص) برخوردار و با ایشان در ارتباط بودند، چنان‌که امرعله که از شعرای فصیح عرب در زمان پیامبر (ص) بود، روزی به نمایندگی از زنان مسلمان که آرزوی حضور در میدان جهاد با دشمنان اسلام را دارند، از پیامبر (ص) می‌پرسد زنان خانه‌دار هستیم و از شرکت در جهاد در راه خدا محرومیم. رسول خدا (ص) در پاسخ به وی سفارش می‌کند که ذکر خداوند را در شب و روز فراموش نکند و از نامحرم دوری کند و اگر چنین کند اجر جهاد دارد (Ibn Athir, 1988, Vol 5: 583). وی همچنین به شغل آرایشگری زنان در مدینه مشغول بود. روزی دیگر از پیامبر اکرم (ص) درخصوص کار خود سؤال کرد و گفت: «یا رسول‌الله من زنان را برای همسرانشان آرایش می‌کنم. آیا شغل

آرایشگری در شأن یک زن مسلمان است؟» پیامبر فرمودند: «مانعی ندارد آنان را برای همسران خود آرایش و زینت کن» (Ondolusi, 1991, Vol. 4: 295; Asghalani, 1994, Vol. 8: 390; Ondolusi, 1991, Vol. 4: 295).

خدام دختر خنساء (شاعر معروف عرب) نیز از ازدواجی که پدرش بر او تحمیل کرده بود، نزد رسول خدا (ص) شکایت برد. رسول خدا (ص) ازدواج را بر هم زد و فرمود: هرگونه می‌خواهد ازدواج کند و او نیز با ابولبابه ازدواج کرد (Ondolusi, 1991, Vol. 4: 295). برخورد و تعامل پیامبر (ص) با زنان شاعر مسلمان، گاه شاعران زن غیرمسلمان را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. چنان‌که قتیلہ دختر حارث بن علقمه نیز زمانی که برادرش (نضر بن حارث) که از سران مشرکان مکه بود در جنگ بدر کشته شد، در قصیده معروفی که برای او می‌سراید، هیچ توهینی به پیامبر (ص) نمی‌کند، بلکه خطاب به پیامبر (ص) می‌گوید: «تو از نجیب‌ترین و اصیل‌ترین و شریف‌ترین مردانی» (Ibn Saad, 1989, Vol. 2: 18; Tabari, 2003, Vol. 2: 437; Zarkali, 2017, Vol. 1: 432).

ساره از شعرا و آوازه‌خوان‌های مکه بود. پس از جنگ بدر، مشرکان مکه به سبب مصیبتی که بر آنان آمده بود، آوازه‌خوانی را ممنوع کردند؛ بنابراین راه کسب درآمد ساره نیز بسته شد. ساره پس از گذشت دو سال از این واقعه، به مدینه آمد تا با پیامبر (ص) دیدار کند. وقتی نزد ایشان آمد، پیامبر به او فرمود: ای ساره، آیا آمده‌ای تا مسلمان شوی؟ گفت: نه. فرمود: آیا به مدینه مهاجرت کرده‌ای؟ گفت: نه. فرمود: برای چه به مدینه آمده‌ای؟ گفت: نیازمند شده‌ام و آدمم تا از شما کمک بخواهم. فرمود: مگر از آوازه‌خوانی درآمد کافی نداری؟! گفت: قریش دو سال است آوازه‌خوانی را منع کرده است. پیامبر (ص) به بنی‌عبدالمطلب امر کردند تا به او کمک کنند و خوراک و پوشاک مورد نیازش را تأمین کنند (Waghedi, Tabarsi, 1987, Vol. 9: 404; Waghedi, 1990, Vol. 2: 860).

پیامبر اکرم (ص) زنان را به آموختن علم و دانش بسیار سفارش می‌کردند و می‌گفتند: زنان انصار چه خوب زنانی هستند که حیای آنان مانع از تحصیل علم و کاوششان در دینشان نمی‌شود (Bukhari, No date, Vol. 1: 141). زنان دلیر در ضمن شرکت در جنگ‌های اسلامی نقش مهمی در تشجیع جهادگران و تشویق آنان به جنگ ایفا کردند که کاربرد زبان و بیان آنان که فصاحت و بلاغت و ایمان و تعهد اسلامی در آن موج می‌زد، از ده‌ها شمشیر بران بالاتر بود (Nouri Hamedani, 2003: 179). عاتکه بنت زید، اسماء بنت یزید بن سکن، صفیه بنت عبدالمطلب و ام‌سلمه از دیگر شعرای زن پرورش‌یافته در مکتب نبی بزرگوار اسلام (ص) هستند (Abulfaraj Esfahani, 1986, Vol. 18: 62; Asghalani, 1994, Vol. 4: 346; Zarkali, 2017, Vol. 4: 7).

## ۶-۲. جایگاه و عملکرد زنان در دولت خلفای سه‌گانه

در اینجا براساس مستندات تاریخی به دنبال بیان جایگاه و عملکرد زنان شاعر در این سه دولت پیایی هستیم.

### ۶-۲-۱. جایگاه و عملکرد زنان در دولت خلیفه اول

در دوران خلافت ابوبکر زنان شاعر گاه مخالف و در مقابل حکومت و گاه همسو با آن عمل می‌کردند. چنان‌که در منابع تاریخی آمده است: زنی به نام ام مسطح بنت ابورهم انیس بن مطلب بن عبد مناف که از شعرا و اصحاب پیامبر (ص) بود، با سرودن اشعار احساسی و بیان آن در کنار مزار پیامبر (ص) به دفاع از مقام حضرت علی (ع) و مخالفت با حکومت پرداخت (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 238; Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 238; Kahaleh, 1982, Vol. 2: 264). سجاح بنت حارث بن سوید (ام صادر) زن شاعر دیگری بود که در میان قوم خود جایگاه والایی داشت (Zarkali, 2017, Vol. 3: 122). پس از وفات پیامبر (ص) با ادعای پیامبری در مقابل حکومت ابوبکر طغیان کرد و ابوبکر مجبور به مقابله با وی شد (Kahaleh, 1982, Vol. 2: 177; Tabari, 2003, Vol. 3: 122). از سوی دیگر برخی از زنان شاعر در روحیه بخشی و تشجیع جنگاوران مسلمان لشکر ابوبکر در فتوحات نقش بسزایی داشتند. چنان‌که مشهور است اگر روحیه بخشی و تهییج زنانی همچون اسماء ذات الطاقین، نسیمه بنت کعب، ام ابان همسر عکرمه، نعیمه بنت فیاض و هنت بنت عقبه با سرودن و خواندن اشعار و خطابه‌های حماسی در جنگ یرموک وجود نداشت، چه بسا سرنوشت جنگ به سمت دیگری میل پیدا می‌کرد (Ibn Atham Kufi, 1990, Vol. 1: 206). اغلب این زنان با همسران خود راهی میدان رزم شده بودند و چنانچه جنگ سخت می‌شد، با سلاح شعر و رجز مردان را تحریک به مقاومت بیشتر می‌کردند.

در صدر اسلام رایج‌ترین روش انتقال علوم نظری و نقلی، روایت و بیان حدیث و کتابت بود و تربیت و ظهور ده‌ها شخصیت علمی در علوم مختلف در زمان پیامبر (ص) از ثمرات این سیاست به‌شمار می‌رفت. اما خلیفه اول به‌محض نشستن بر کرسی خلافت، کتابت و نقل حدیث را ممنوع اعلام کرد و مانع از شکوفایی جلسات علمی و حدیثی شد (Mottaghihendi, 1989, Vol. 10: 285; Tabari, 2003, Vol. 4: 204).

به این ترتیب آنچه در این زمان در خصوص علم‌آموزی زنان اتفاق افتاد همه به دست خود زنان اتفاق افتاد و خبری از حمایت و یا تأکید خلیفه بر حضور زنان در جامعه نبود. اتفاقاً به دلیل آنکه اهل علم بر عوام جامعه اثرگذارند، خلیفه -همان‌طور که اشاره شد- مشتاق بود تا حلقه علمی به‌خصوص در میان زنان شکل نگیرد تا تزلزلی بر ارکان استقرار حکومت وی وارد نشود (Tabari, 2003, Vol. 11: 618)؛ بنابراین در این دوره و به‌تبع آن دوره خلیفه دوم و خلیفه سوم که تابع سیره حکومتی خلیفه اول بودند با رشد جریان شعر و شاعری زنان مسلمان روبه‌رو نیستیم؛ چرا که محدودیت‌های اجتماعی و عدم کتابت علوم و نیز عدم حمایت حکومت برای علم‌آموزی زنان بی‌شک در رشد و نمو شاعران زن اثرات معکوس داشت.



## ۶-۲-۲. جایگاه و عملکرد زنان در دولت خلیفه دوم

نقش‌آفرینی زنان شاعر مسلمان در حماسه‌سرایی‌های جنگی در زمان خلیفه دوم نیز ادامه داشت. چنان‌که در جنگ یرموک که در زمان خلیفه اول آغاز شد و در عصر خلیفه دوم نیز ادامه یافت (Ibn Athir, 1989, Vol. 8: 253). پس از آنکه هجوم رومیان شدت گرفت (Ibn Athir, 1988, Vol. 6: 293)، برخی از زنان شاعر همچون اسماء بنت ابوبکر که همراه همسرش زبیر بن عوام در این جنگ حضور داشت و اسماء بنت یزید بن سکن انصاری که از سخنورترین زنان بود، به شجاعت و دلیری شهرت داشت (Zarkali, 2017, Vol. 1: 300; Asghalani, 1994, Vol. 4: 229; Ondolusi, 1991, Vol. 4: 1787). با خواندن اشعار حماسی در میدان رزم به رزمندگان روحیه می‌دادند (Ibn Saad, 1989, Vol. 1: 220; Waghedi, 1997, Vol. 1: 220; Waghedi, 1997, Vol. 1: 220; Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 252).

خلیفه دوم مخالف علم‌آموزی زنان بود و صراحتاً می‌گفت به زنان خواندن و نوشتن یاد ندهید، اما در برخی موارد مروج اشعار برای زنان بود و می‌گفت در مراسم‌های شادی و سرور نظیر جشن ازدواج همان اشعار قبل از اسلام و عصر جاهلیت خوانده شود<sup>۱</sup> (Ahmad bin Hanbal, No date, Vol. 3: 451).

آنچه در اوراق تاریخی از حضور و عملکرد زنان شاعر در دوران خلیفه دوم نقل شده به سرودن و خواندن شعر در تنگناهای جنگی خلاصه شده و با آنکه نگارش تاریخ اسلام تا سالیان متمادی اغلب به دست مورخان سنی بوده، گزاره‌های زیادی در این موضوع برجای نمانده است؛ چرا که عمر نسبت به زنان سختگیر بود و به آنان اجازه حضور در مجامع و دخالت در امور را نمی‌داد و اعتقادی به حضور پویای زنان در عرصه‌های اجتماعی نداشت (Ibn Qutaiba Dinuri, 1992: 12).

عمر نسبت به آزادی‌های زنان در دوران اسلام نسبت به دوران قبل از اسلام که از آن دوران جاهلیت ذکر می‌شود انتقاد داشت و صراحتاً می‌گفت که ما در جاهلیت زنان را به حساب نمی‌آوردیم. وی حتی در زمان پیامبر (ص) نیز نسبت به امتیازاتی که اسلام و رسول‌الله (ص) به زنان داده بودند به ایشان انتقاد می‌کرد و می‌گفت زن در زمان قبل از اسلام تا این حد آزادی

۱. در عصر جاهلی مرسوم بود که داماد پس از اخذ موافقت عروس با صدای بلند و حالت طرب و مستانه بگوید: رفتونی، رفتونی بالرفاه والبنین (به من تبریک بگوئید تا آسایش دنیوی و فرزندانم بیشتر بشود)، اما پیامبر (ص) با ظهور اسلام و ترویج سبک زندگی اسلامی، این اشعار مستانه جاهلی را با الفاظ (بارک الله لک، بارک الله علیک، بارک الله فیها) جایگزین کردند. عمر در ازدواج‌های خود نیز این اشعار جاهلی را می‌خواند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: Ahmad bin Hanbal, No date, Vol. 3: 451).

نداشت و چرا باید در اسلام تا این حد نقش اجتماعی و سیاسی بگیرد (Ibn Saad, 1989, (Vol. 8: 145; Bukhari, No date, Vol. 6: 148).

### ۶-۲-۳. جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت خلیفه سوم

عروه بن حزام که از شعرای معروف بنی حزام بود، دخترعموی خود عفره بنت عفال را دوست می‌داشت؛ به حدی که برای وی قصاید معروف و زیبایی سروده بود و عفره نیز قصد ازدواج با وی را داشت. اما پدر عفره به دلیل آنکه عروه در خانواده فقیری بود به اجبار و برخلاف نظر دخترش، وی را به عقد فرد دیگری که از تمکن مالی بهتری برخوردار بود درآورد. عفره پس از ازدواج همچنان دل‌باخته و در هوای عروه بود تا آن که پس از مدتی بر اثر اندوه و افسردگی در سال ۳۰ قمری درگذشت (Abulfaraj Esfahani, 1986, Vol. 15: 77). این فضای کم‌تحرک اجتماعی علاوه بر اینکه برای عموم زنان جامعه بود، شامل خواص و زنان سرشناس نیز شده بود و زنان شاخص آن روز اسلام که در پایتخت حکومت اسلامی زندگی می‌کردند، نسبت به دوره‌های قبل از خلافت عثمان عملکرد و حضور اجتماعی کمتری داشتند که بی‌شک برگرفته از تقلیل آزادی‌های اجتماعی آن دوران برای زنان است. شاعر بزرگی مثل خنساء از مصادیق این امر است که خبری از همکاری وی با دولت عثمان و حضور در برنامه‌های اجتماعی آن دوران نظیر حضور شاعران در بازارهای موسمی یا همراهی شاعران در فتوحات دولتی یا شعر سرایی‌های شاخص اجتماعی از وی که یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن روز است ذکر نشده است. این عدم همراهی تنها برای شعرای شاخص زن نیست، بلکه نفرت شاخص زن دیگر علوم نیز به کنار گذاشته شدند، نظیر خیره بنت سلامه بن عمیر (ام درء) که از صحابی پیامبر (ص) و از زنان فاضل و صاحب‌نظر و از راویان حدیث است (Ondolusi, 1991, Vol. 4:1834) و راویانی چون زید بن اسلم و صفوان بن عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند (Zarkali, 2017, Vol. 2: 375). اما در زمان عثمان هیچ خبری از حضور و نقش وی در عرصه‌های اجتماعی و همکاری با حکومت گزارش نشده است. همچنین وی ساکن مدینه بوده است، اما در دوران خلافت عثمان ترجیح می‌دهد همراه با همسرش مدینه را ترک کند و در شام سکونت و زندگی کند (Ibn Athir, 1988, Vol. 7: 100; (Asghalani, 1994, Vol. 4: 228).

این نکته قابل‌تأمل است که چرا این زنان با داشتن سابقه فعالیت‌های مؤثر در عرصه‌های اجتماعی مختلف، در زمان عثمان همچون دو خلیفه قبلی حضور پررنگی در اجتماع نداشتند. در زمینه شعر و شاعری زنان در زمان عثمان نیز نکته قابل‌توجه این است که اگرچه زنان مورد حمایت و تشویق حکومت برای ایفای نقش و جایگاهی ارزنده قرار نگرفتند، از فعالیت در این عرصه غفلت نکردند؛ به طوری که اسماء بنت نعمان (Zarkali, 2017, Vol. 1: 305). اسماء بنت

ابی بکر (Ibid: 306)، اسماء بنت یزید بن سکن معروف به خطیبه (Asghalani, 1994, Vol. 8: 21). عایشه بنت لحه، اروی بنت حارث بن عبدالمطلب، جویره بنت حارث، خوله بنت ازور (Zarkali, 2017, Vol. 5: 230-240) را از شعرا و فعالان خودجوش زن در گفتن و کتابت مستور شعر در زمان خلافت عثمان نام برده‌اند.

در فتوحات و جنگ‌های زمان عثمان نیز برخی از زنان شاعر حضور فعال داشته‌اند، اما نامشان کمتر به میان آمده است (Ibn Abi al-Hadid, 1959, Vol. 4: 1603). در حمله حبیب بن مسلمه به رومیان که برای دفع حملات مجدد آن‌ها به مرزهای اسلامی بود و در اوایل خلافت خلیفه سوم اتفاق افتاد (Ibn Athir, 1966, Vol. 2: 1603)، خوله بنت ازور اسدی شاعر و از شجاع‌ترین زنان زمانش بود که در حملاتش با خالد بن ولید مقایسه می‌شد. شجاعت‌های فراوانی در فتوحات شام از جمله شعرخوانی و تهییج لشکر مسلمین از او نقل شده است. در این جنگ تعداد لشکر مسلمان نسبت به لشکر رومیان یک به ده بود (Kahaleh, 1982, Vol. 1: 373; Zarkali, 2017, Vol. 2: 373).

### ۶-۳. جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت علوی

در صدر اسلام همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، شعر و شاعری از مهم‌ترین مصادیق هنر و نیز رسانه حساب می‌شد. حضرت علی (ع) در دوران حکمرانی خود برخلاف خلفا زنان را از حضور و فعالیت در عرصه‌های اجتماعی از جمله این ابزار مهم هنری و رسانه‌ای محروم نکردند و به آن‌ها تنها نگاه ابزاری نداشتند؛ بنابراین مصادیق زیادی از فعالیت و همکاری زنان شاعر در دولت علوی در تاریخ ثبت شده است. یکی از زنان شاعر زمان حضرت علی (ع)، عمره بنت مرداس (دختر خنساء شاعر معروف عرب) بود که داستان زندگی وی نیز شبیه مادرش بود و زمانی که دو برادرش به نام یزید و عباس در نزاع‌های قبیله‌ای کشته شدند، مرثیه‌های غمناکی چون مادرش می‌سرود (Zarkali, 2017, Vol. 5: 235).

اروی بنت حارث بن عبدالمطلب از شاعران زن نامی زمان حضرت علی (ع) بود که اشعار وی در حمایت از حضرت علی (ع) چه در زمان ایشان و چه پس از شهادتشان موجب رنجش معاویه و شامیان شده بود (Ondolusi, 1991, Vol. 4: 224; Ibn Athir, 1988, Vol. 4: 390 315). ام ذریح العبیدیه از دیگر شاعران زن زمان حکومت حضرت علی (ع) بود که در مذمت عایشه در جنگ جمل، اشعاری پرمعنا همراه با رعایت آداب اسلامی و دوری از هرگونه هجو و اهانت نقل کرده است (Ibn Abi al-Hadid, 1959, Vol. 4: 1603). از دیگر زنان فعال در این عرصه هند بنت زید بن مخرمه انصاری از شاعران برجسته و فعالان اجتماعی در کوفه بود که با زبان گویای خود و

پایگاه اجتماعی‌اش به روشنگری علیه معاویه می‌پرداخت (Ibn Athir, 1966, Vol3: 478; (Ibn Saad, 1989, Vol. 6: 674).

ضبیعه بنت خزیمه (Amin, 2011, Vol.7: 392; Ibn Abi al-Hadid, 1959, Vol. 8: 42) و حوریه بنت خالد کنانه (Masoudi, 2009, Vol. 1: 360) و زرقاء بنت عدی از شاعران بزرگ و نامی زن در زمان دولت علوی هستند که در جنگ صفین پیشاپیش لشکر امیرالمؤمنین علی (ع) سوار بر شتری حرکت می‌کرد و با خطبه‌های آتشینش علیه لشکر معاویه با شجاعت تمام به برشمردن ویژگی‌ها و فضایل حضرت علی (ع) می‌پرداخت و مردان و زنان لشکر را به مقابله علیه معاویه تحریک می‌کرد. اثرگذاری کار او تا جایی بود که معاویه سال‌ها پس از جنگ صفین و بعد از شهادت حضرت علی (ع) وی را به شام احضار کرد و ضمن یادآوری عملکرد وی در حمایت از حضرت علی (ع)، این زن را مورد بازخواست و تعقیب قرار داد (Ibn Abi Tefur, 1958: 50; Kahaleh, 1982, Vol. 2: 32). ام سنان بنت خثیمه بن خرشیه از زنان شاعر زمان حضرت علی بود که در رویدادهای سیاسی و اجتماعی مختلف نظیر جنگ صفین به قرائت و بیان اشعار جهت آگاهی‌بخشی به جامعه و حمایت از دولت حضرت علی (ع) پرداخته است (Kahaleh, 1982, Vol. 2: 64; Amin, 2011, Vol. 3: 480).

وی از زنانی بود که در زمان رسول‌الله (ص) در خیبر نیز همراه پیامبر بود و به مداوای مجروحان و پشتیبانی رزم و آبرسانی به مجاهدین مشغول بود (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 292). امرعله قشیریه نیز از زنان شاعر زمان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) بود و در زمان خلافت حضرت علی (ع) هم از حامیان سرسخت ایشان به‌شمار می‌رفت. وی زنی عالم در علوم کلامی و حدیثی و بسیار ناطق و فصیح بود (Ibn Athir, 1988, Vol 6: 331; Amin, 2011, Vol. 3: 478).

ام‌براء بنت صفوان از زنان مجاهدی بود که در صفین هم با دستانش و هم با زبانش جلو لشکر معاویه ایستاده بود و به دفاع از لشکر امیرالمؤمنین پرداخته بود و چنان با خواندن اشعار حماسی ضمن دادن روحیه به طرفداران امیر مؤمنان علی (ع)، معاویه را به خشم آورده بود؛ به‌طوری‌که سال‌ها بعد معاویه وی را به دمشق احضار کرد و گفت: «به یاد داری که در صفین می‌گفتی ای کاش مرد بودم تا با شمشیرم سپاه بدکار دشمن علی را نابود می‌ساختم» (Amin, 2011, Vol. 3: 475).

سوده همدانی (بنت عماره بن اشتر) نیز از شاعران معروف زن و راویان حدیث در دوران حکومت علوی بود که در قالب شعر علیه معاویه روشنگری می‌کرد و سخنرانی‌های غراء و علمی زیادی در جمع زنان جامعه داشت. وی نیز از زنانی است که پس از شهادت حضرت علی توسط معاویه احضار شد (Ibn Abi Tefur, 1958: 50; Amin, 2011, Vol. 7: 324). فاطمه بنت حزام بن خالد (ام‌البین) نیز از همسران ایشان، زنی ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش بود. او همچنین بانویی شجاع، فداکار، صاحب علم و مقام زهد و صلاح و تقوی و بسیار بافضیلت

بوده است (al-Hasoon, 2001: 575). دوران حکمرانی چهار سال و چند ماه حضرت علی (ع) مملو از رویدادها و بحران‌های جنگی و... بود. سه جنگ پرتنش جمل، صفین و نهروان و از طرفی نیز سلسله حملات نظامی غارات، توان و زمان حکومت را به مقابله و برنامه‌ریزی برای دفع این حملات اختصاص داده بود؛ بنابراین حکومت کمتر مجال برای رسیدگی به امورات دیگر داشت. باین‌حال زنان نسبت به دوران قبل از آزادی‌های اجتماعی بیشتری همچون حضور در اجتماع و تحصیل علوم و نیز توجه به نمو معنوی خود یافتند (Asghalani, 1994, Vol. 8: 281). همچنین امیر مؤمنان علی (ع) در زمان حکومتش دستور اکید به کتابت و نگارش علم می‌کرد که این رویکرد موجب تحولی گسترده در علوم نظری شامل کلام، منطق، حدیث، ادبیات عرب و شعر شد (Ibn Saad, 1989, Vol. 8: 447) و در رشد کیفی و کمی شاعران زن نیز تأثیر بسزایی داشت؛ به‌نحوی که بروز و نمو شعرای زن در طول بیست‌وپنج سال حکمرانی خلفا از زمان خلافت حضرت علی (ع) که پنج برابر این دوران است کمتر است.

#### ۴-۶. مقایسه تطبیقی جایگاه و عملکرد زنان شاعر در دولت‌های نبوی، خلفای

##### سه‌گانه و علوی

توجه به جایگاه شعر و هنر برای زنان از آن جهت مهم و قابل توجه بود که شعر در صدر اسلام از مهم‌ترین مصادیق هنر و رسانه عمومی حساب می‌شد؛ به‌نحوی که قبل از آن نیز شعر و خطابه در فرهنگ عرب پیش از اسلام، جایگاه بلندی داشت. در برخوردهای جنگی و اجتماعات قبیله‌ای، هر قومی و هر قبیله‌ای خطیب و شاعر مخصوصی داشت که در آن جبهه و مجتمع، شاعر و خطیب، شعر یا خطابه خود را در میدان رقابت و مفاخره ایراد می‌کرد و غلبه و توفیق یکی بر دیگری معیار عزت و عظمت قلمداد می‌شد. این فرهنگ پس از ظهور اسلام همچنان بر جای ماند؛ با این تفاوت که تحولی در محتوای خطابه‌ها و اشعار به‌وجود آمد و ارزش‌های اسلامی جایگزین ارزش‌های جاهلی شد. پیامبر اسلام (ص) در دولت خود زنان را از این عرصه حذف نکرد و شاعران زن مسلمان را می‌ستود و حمایت می‌کرد. همچنین با اشعاری که جایگاه شأن زن مسلمان را به خطر می‌انداخت، برخورد می‌کرد و نسبت به تضعیف و یا تحریف جایگاه اجتماعی زنان با زبان شعر نیز بی‌اعتنا نبود. این زنان در جلسات و حلقه‌های علم نبوی (ص) حاضر می‌شدند و با پیامبر (ص) ارتباط بدون واسطه و مستقیم داشتند. در زمان خلافت خلفا اما به دلیل کاهش حضور اجتماعی و سیاسی زنان و عدم اعتقاد خلفا به نقش‌آفرینی زنان در جامعه، به اندازه دوران پیامبر (ص) به آنان میدان داده نشد. تا جایی که از همکاری این شاعران زن با حکومت و حضور در تجمعات آن روز جز در جریان جنگ‌ها و فتوحات خلفا که آنان همراه با همسران خود شرکت کرده‌اند و آنجا که عرصه تنگ می‌شود و اشعار بانوان می‌تواند انگیزه‌های به‌هجوم و مقاومت بیشتر دهد، خبری در دست نیست. البته حرکت و تلاش زنان در عرصه شعر به‌صورت فردی و خودجوش است و هرچند ضعیف، اما تداوم پیدا کرد و به دور از نگاه حکومت

ادامه یافت که در سال‌های حکومت علوی (ع) خود را نشان داد. حضرت علی (ع) در دوران حکمرانی خود زنان را از حضور و فعالیت در این ابزار مهم هنری و رسانه‌ای محروم نکردند. البته این بهره‌مندی بعدها برای دولت و حاکمیت دوطرفه بود. هم زنان آزادی عمل و امکان هنرنمایی در شعر به‌طور رسمی پیدا کردند و هم در خیلی از مواجهه‌های سیاسی و از جمله جنگ‌های مختلف، زنان با ایراد اشعار نغز و پرمعنا رسالت بصیرت‌افزایی خود را انجام می‌دادند. در زمان حکمرانی علوی (ع) از حضور و نمو زنان شاعر زیادی در جامعه اسلامی سخن گفته شده که تعداد زیادی از آنان تا قبل از حکومت حضرت علی (ع) در دوران خلفا هم زیست کرده بودند، اما اثری از فعالیت اجتماعی آنان نیست. به‌خصوص در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی زمان خلفای سه‌گانه کمتر با شعرخوانی و عملکرد شعرای زن مواجه هستیم، اما در جنگ‌های دوران حضرت علی (ع)، به‌ویژه در جنگ‌های جمل و صفین که زمان بیشتری برای رویارویی دو طرف فراهم بود، مشاهده می‌شود که چندین زن شاعر، قبل از آغاز جنگ و در شرایط دشوار، با سرودن اشعار حماسی علاوه بر تلاش برای آگاه کردن سپاهیان دشمن از ناآگاهی و غفلت، در لشکر خودی نیز روحیه، نشاط و قوت ایجاد می‌کنند. این اشعار به سبب آنکه در بردارنده مفاهیم قرآنی و الهی است و همراه با رعایت آداب اسلامی و دوری از هرگونه هجو و اهانت بیان شده است، مورد تأیید حضرت علی (ع) قرار می‌گرفت؛ وگرنه وی به تأسی از سیره دولت نبوی (ص) غنا و اشعار کفرآمیز که شأن زن مسلمان را از جایگاه والای خود به عنصری برای تحریک شهوت مرد تقلیل می‌داد، قبول نداشت.

## ۷. نتیجه‌گیری

از بررسی مقایسه جایگاه و عملکرد زنان شاعر در چهل سال حکمرانی دولت‌های اسلامی در صدر اسلام می‌توان نتیجه گرفت ما با دو مکتب فکری و دو سبک مدیریتی مختلف در این خصوص مواجه هستیم. اولی تلاش می‌کند جایگاه زنان شاعر مسلمان را براساس معیارهای دینی تنظیم کند و ارتقا بخشد و دومی براساس نظریه‌های شخصی و سلیق فردی برگرفته از فضای محلی و محیطی قبل از اسلام، این جایگاه را آن‌طور که خود می‌پسندد، سیاست‌گذاری و مدیریت می‌کند. تعداد شعرای زن در دوران حکمرانی خلفا کمتر از دوران دولت‌های نبوی و علوی است و کارکرد و عملکرد آنان نیز نسبت به این دوران در صفحه تاریخ کمرنگ‌تر است. همچنین با بررسی منابع مکتوب تاریخی با کمبود روایت‌ها و مستندات تاریخی از نقش و جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان شاعر مواجه هستیم. این در صورتی است که بیست‌وپنج سال از دوران چهل‌ساله حکومت در دست خلفای سه‌گانه بود و جمع کثیری از تاریخ‌نگاران صدر اسلام نیز از اهل تسنن و پیرو مکتب خلفا بودند. همچنین بسیاری از زنان شاعر در دوران حکومت‌داری پیامبر اکرم (ص) که حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی در رویدادهای سیاسی

نظیر جنگ‌ها و منازعات وارده دارند، در دوران حکومت خلفای سه‌گانه خبری از عملکرد آنان نیست. اما همین زنان با روی کار آمدن دولت علوی حضور و نقشی فعال‌تر از قبل نسبت به زمان خلفا ایفا می‌کنند. از مهم‌ترین دلایل این تمایز، ارزش‌گذاری به زنان در تعلیم و تعلم و اجازه کتابت علوم و نیز عدم محدودیت در اجتماع و آزادی‌های اجتماعی و البته استقبال و علاقه‌مندی شاعران زن مسلمان در پاسخ به این جایگاه و منزلت در دولت اسلامی است؛ بنابراین ارتقای جایگاه و منزلت زنان شاعر مسلمان، موجب تأثیرگذاری بیشتر در عملکرد آنان در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود که بررسی کمی روایت‌های تاریخی شاهدهی بر این ادعا است.

## ۸. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

## References

- The Holy Qur'an (In Arabic, with Persian translation).  
Abulfaraj Esfahani, Ali bin Al-Hussein (1965). *Muqatil al-Talbeen*. Qom: Daroolketab. (In Arabic)
- Abulfaraj Esfahani, A. (1986). *Al-Aghani*. Cairo: Al-Asriya book. (In Arabic)
- Afkhami, R., & Zamani, M. (2022). *The image of the Prophet (PBUH) in the poetry of the women of Sadr Islam*. Yazd: University Press. (In Persian)
- Ahmad bin Hanbal (No date). *Musnad Ahmed bin Hanbal*. Beirut: Dar al-Jalil. (In Arabic)
- Akhwan Moghadam, Z. (2012). *The mirror of purification in the mirror of Arab poetry*. Tehran: Naba. (In Arabic)
- Al-Hasoon, M. (2001). *Declaring the Women of the Faithful*. Tehran: Dar al-Soweh and Al-Nashar.
- Amin, S. M. (2011). *Ayan al-Shia*. Beirut: Dar al-Ta'arf Lelmatboat. (In Arabic)
- Asghalani, A. (1994). *Al-Esabe fi Ma'arefate al-Sahabe*. Investigation: Adel Ahmed Abd Al-Mowgoud and Ali Muhammad Moawaz. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiyyah. (In Arabic)
- Bukhari, A. (No date). *Sahih al-Bukhari* (Al Jame al-Bukhari). Istanbul: Muhammad Zendi Affandi Press. (In Arabic)
- Golmohammadi, Tehran: Ney. (In Persian)
- Ibn Abi al-Hadid, A. (1959). *Commentary on Nahj al-Balagheh*. Researched by: M. A. Ibrahim. Beirut: Dar Ahya al-Katb al-Arabiya. (In Arabic)

- Ibn Abi Tefur, A. (1958). *Balaghat al-Nisa*. Qom: Al-Haidariyya School. (In Arabic)
- Ibn Atham Kufi, A. (1990). *Al-Fatouh*. Research by: A. Shiri. Beirut: Dar Al-Adhawa. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1966). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1988). *Asdalghabah Fi Maarefate al-Sahabah*. Beirut: Dar al-Fekr. (In Arabic)
- Ibn Hisham (1996). *Sirah al-Nabiyyah*. Translated by: S. H. Rasouli. Tehran: Kitabchi Publications. (In Arabic)
- Ibn Khaldoun, Abd al-Rahman Ibn Muhammad (No date). *History of Ibn Khaldoun*. Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi. (In Arabic)
- Ibn Qutaiba Dinuri (1992). *Al-Imamah and Al-Siyaseh*. Research by: A. Shiri. Qom: Mansurat Sharif Razi.. (In Arabic)
- Ibn Saad, M. (1989). *Tabaqat al-Kubari*. Researched by: M. A. Q. Atta. Beirut: Daraktab Al-Alamiya. (In Arabic)
- Ismailghanmi, M. J., Saadounzadeh, J., & Sephiyar, A. (2011). Women's poetry and its characteristics at the beginning of Islam. *Quarterly of Women and Culture*, 3(11), 31-41. [www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1670589](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1670589)
- Kahaleh, O. (1982). *Al-Aalam Fi Aalemi AL-Arab Va AL-Islam*. Beirut: Al-Resalah Publishing Institute. (In Arabic)
- Masoudi, A. (2009). *Moruj al-zahab and Maadeno Al-Jawhar*. Translated by: A. Payandeh. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Montazer al-Qaim, A. (2016). *History of Islam until the 40<sup>th</sup> year of Hijri*. Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian)
- Mottaghihendi, A. (1989). *Kanzal-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal*. Beirut: Al-Rasalah Institute.
- Nemati, M. A., Shahidani, Sh., Sawaqib, J., & Shahrokhi, S. A. (2021). Investigating the social status of Safavid era painters from the perspective of historical texts (1148-907 AH). *Historical Sociology Quarterly*, 13(2), 301-349. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23221941.1400.13.2.6.7> (In Persian)
- Nouri Hamedani, H. (2003). *The position of women in Islam*. Qom: Mahdi Mououd Publications. (In Persian)
- Nowrozi Kuriyeh, H. (2010). *Women Poets in the Age of Ignorance*, Master's Thesis, under the guidance of Dr. Qais Al Qais. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Ondolusi, Y. (1991). *Al-Estiaab fi Ma'arefate al-Sahabe*. Research: Ati Mohammad Al-Bajawi, Beirut: Dar al-Jeel. (In Arabic)
- Reisman, L., & Angita, M. (2013). *Sociology of strata and social barbarism*. Translated by: M. Qolipour. Tehran: Dzakad. (In Persian)
- Stanford, M. (2003). *An introduction to the philosophy of history*. Translated by: A. Golmohammadi. Tehran: Ney. (In Persian)
- Tabari, M. (1968). *History of the Ummah and Al-Muluk*. Research: M. A. Ibrahim. Beirut: Dar al-Tarath. (In Arabic)



- Tabari, M. (2003). *Tabari's Ta'arick*. Translated by: A. Payandeh. Tehran: Asatir Publishing House. (In Persian)
- Tabarsi, F. (1987). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
- Waghedi, M. (1990). *Al-Maghazi*. Translated by: M. Mahdavi Damghani. Tehran: Academic Publishing Center. (In Persian)
- Waghedi, M. (1997). *Fatuh al-Sham*. Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Arabic)
- Yaqoubi, A. (1992). *Tarikh Yaqoubi*. Translated by: M. E. Ayati. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Zarkali, Kh. (2017). *Al-Alam*. Beirut: Dar al-Alam Lalmaine. (In Arabic)

آماده انتشار